



## درس فارح فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۹ آبان ۱۳۹۴

مصادف با: ۱۷ محرم ۱۴۳۷

جلسه: ۱۴

موضوع کلی: القول فیما یجب فیہ الخمس - الرابع: الغوص

موضوع جزئی: مسئله چهارم - عدم فرق بین بحر و نهر

سال ششم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### مسأله چهارم

«لا فرق فیما یخرج بالغوص بین البحر و الانهار الکبیره - کدجلة و الفرات و النيل - اذا فرض تکون الجواهر فیها کالبحر». مسأله چهارم پیرامون انهار کبیره است به این معنا که احکام مربوط به غوص در انهار کبیره هم جریان دارد یعنی تعلق خمس و نصابی که برای وجوب خمس در باب غوص معتبر است، شامل جواهری هم می شود که از رودخانه های بزرگ مثل دجله و فرات و نیل استخراج می شود، لذا اگر جواهری از عمق این رودخانه ها خارج شود، متعلق خمس است البته به شرط اینکه آن جواهر در عمق نهر «تکون» پیدا کرده باشد؛ چون ممکن است جواهر به نحوی مثل غرق شدن کشتی داخل بحر یا نهر شود یا اینکه از دست کسی به درون آب افتد. لذا شرط تعلق خمس این است که جواهر در خود انهار تکون پیدا کرده باشد. البته این شرط مختص به نهر نیست، در باب بحر هم همین طور است؛ همان طور که خود مآتن هم اشاره کرده اند.

در این بحث دو مطلب باید مورد رسیدگی قرار بگیرد: مطلب اول عدم فرق بین بحر و نهر در خمس متعلق به ما یخرج بالغوص است و مطلب دوم هم شرطی است که در ذیل مسأله چهارم ذکر کرده اند.

### مطلب اول

#### بررسی مسئله طبق مبنای مختار

بنابر آنچه که ما در باب موضوع وجوب خمس در این مقام گفتیم، مسأله کاملاً واضح است یعنی اگر ما گفتیم موضوع خمس در این باب عبارت است از ما یستفاد من الماء فی مقابل ما یستخرج من الأرض؛ در این صورت دیگر وجهی برای اختصاص حکم به ما یخرج من البحر نیست. مسأله بحر یا نهر مدخلیتی در اینجا ندارد بلکه مهم این است که شیء از آب استخراج شود در مقابل چیزی که مثلاً از معدن استخراج می شود.

در این باب نظر به این است که چیزی هم که از آب استخراج می شود، متعلق خمس است. طبق این مبنا کاملاً واضح است که فرقی بین ما یخرج من البحر و ما یخرج من النهر نیست.

#### بررسی مسئله طبق سایر مبانی

ما سابقاً گفتیم که در باب موضوع خمس در ما نحن فیہ اختلاف نظر وجود دارد و چهار یا پنج قول در این رابطه ذکر شد و مورد بررسی قرار گرفت و حق در مسأله هم معلوم شد؛ مبنای ما این شد که هیچ کدام از دو عنوانی که در روایات ذکر شده، در موضوع خمس مدخلیت ندارد؛ نه خروج من البحر مدخلیت دارد و نه عنوان غوص. بلکه موضوع عبارت است از «ما یخرج من الماء».

اما مبانی دیگری هم در اینجا وجود دارد. ما بنابر سایر مبانی هم باید ببینیم که مطلب چگونه است؛ آیا بین بحر و نهر فرقی هست یا خیر؟

### ۱. اعتبار خصوص غوص

یکی از اقوال و انظار این بود که در مسأله خمس، خصوصیت غوص معتبر است ولی اخراج من البحر معتبر نیست و سایر روایات که متضمن اخراج من البحر بود به این عنوان بازگردانده شد. بنابر این مبنا هم مسأله عدم فرق بین بحر و نهر واضح است. همچنین بنابر این مبنا که ملاک در وجوب خمس احد القیدین است هم فرقی بین بحر و نهر وجود ندارد. «إما الخروج من البحر ولو لم یکن بالغوص و إما الإستخراج بالغوص ولو لم یکن من البحر»؛ نظر محقق خویی همین بود؛ فرمودند خمس با تحقق أحد العنوانین واجب می‌شود اگر چیزی بالغوص استخراج شود، چه از بحر باشد و چه از نهر، خمس آن واجب است. اگر چیزی از بحر خارج شود، چه بالغوص و چه به غیر الغوص باشد، خمس واجب می‌شود. حال طبق مبنای اول که خصوصیت غوص معتبر است دون الاخراج من البحر، مسأله کاملاً واضح است چون ملاک وجوب خمس طبق این مبنا این است که چیزی با فرو رفتن در آب استخراج شود و قید بحر در آن نیست لذا شمولش نسبت به انهار واضح است.

### ۲. اعتبار احد القیدین

طبق مبنای دوم هم مسأله کاملاً واضح است چون ملاک تحقق احد العنوانین (احد القیدین) است؛ یا غوص تحقق پیدا کند یا اخراج من البحر. لذا اگر کسی از عمق رودخانه چیزی را خارج کرد پس موضوع وجوب خمس تحقق پیدا کرده است و این برای تعلق خمس کافی است.

البته طبق این دو مبنا برای اینکه شامل انهار شود، فرو رفتن در آب لازم است اما طبق مبنای اول (مبنای مختار) حتی غوص هم لازم نبود.

پس ملاحظه فرمودید که طبق این دو مبنا شمول خمس و نصاب و اعتبار نصاب نسبت به چیزی که از عمق رودخانه‌های بزرگ هم استخراج می‌شود، کاملاً واضح و روشن است.

اما طبق دو مبنا دیگر باید دید آیا خمس به چیزی که از عمق رودخانه استخراج می‌شود تعلق می‌گیرد یا نه؟

### ۳. اعتبار مجموع القیدین

مبنای سوم این بود که موضوع خمس عبارت است از ما یخرج بالغوص من البحر یعنی اعتبار القیدین. دو عنوانی که در روایات ذکر شده غوص و خروج من البحر است یعنی برای اینکه خمس واجب شود، هر دو باید محقق شود. طبق این مبنا به حسب نظر بدوی شامل چیزی که از عمق رودخانه خارج می‌شود، نمی‌گردد؛ چون ملاک بحر است و این از نهر خارج شده است.

#### ۴. اعتبار خروج من البحر

مبنای چهارم این بود که خمس بما یخرج من البحر متعلق می‌شود ولو لم یکن بالغوص. یعنی فقط باید آن شیء از درون دریا استخراج شود، اعم از اینکه با فرو رفتن در آب باشد یا نباشد. لذا به حسب ظاهر طبق این مبنا هم شامل ما یخرج من النهر نمی‌شود.

ولی به نظر می‌رسد، در فرض پذیرش این دو مبنا هم می‌توانیم بگوییم خمس به ما یخرج من النهر العظیم تعلق می‌گیرد؛ چون:

**اولاً:** عنوان بحر لغتاً و عرفاً بر رودخانه‌های بزرگ هم صدق می‌کند یعنی بحر که در روایات آمده، از نظر معنای لغوی و از نظر عرف هم به دریای اصطلاحی صدق می‌کند و هم به رودخانه‌هایی که خیلی بزرگ‌اند. عرف به اینها دریا می‌گویند. لغت هم به جایی که آب زیاد اجتماع کند ولو جریان داشته باشد، اطلاق بحر می‌کند. پس از باب صدق عنوان بحر بر رودخانه بزرگ می‌توانیم بگوییم حتی طبق مبنای سوم و مبنای چهارم فرقی بین دریا و رودخانه بزرگ از این جهت نیست یعنی همان گونه که خمس به «ما یخرج من البحر» تعلق می‌گیرد، به «ما یخرج من النهر العظیم» هم تعلق می‌گیرد.

**ثانیاً:** یک وجه دیگر هم ممکن است اینجا ذکر کنیم و آن اینکه درست است که در روایات عنوان بحر ذکر شده (چه ما یخرج بالغوص من البحر و چه ما یخرج من البحر). ولی لقائل آن یقول که ما می‌توانیم خصوصیت را از بحر الغاء کنیم. و ما یخرج من النهر را هم به عنوان موضوع خمس قلمداد کنیم.

البته این احتمال و این وجه در واقع به نوعی کنار زدن مبنای سوم و چهارم است. چون مفهوم این دو مبنا این است که بحر خصوصیت دارد و لذا دیگر شامل نهر نمی‌تواند شود و الغاء خصوصیت نمی‌توانیم بکنیم.

#### خلاصه بحث

علی‌ای حال در مجموع به نظر می‌رسد، آنچه که ماتن در مسأله چهارم فرمودند که فرقی بین ما یخرج بالغوص از دریا و از رودخانه بزرگ نیست، علی‌جمیع المبانی به نوعی قابل قبول است چون بر مبنای مورد نظر ما اساساً قید بحر مدخلتی ندارد و لذا خمس در چیزی که از آب خارج می‌شود، واجب می‌شود؛ فرقی هم نمی‌کند که آب دریا باشد یا رودخانه و حتی فرقی بین نهر کبیر و صغیر هم نیست؛ یعنی طبق مبنای ما حتی اگر چیزی از رودخانه‌های کوچک هم خارج شود، موضوع وجوب خمس است.

اما طبق این مبنا که غوص فقط معتبر است در وجوب خمس، نه اخراج من البحر، شمول حکم نسبت به ما یخرج من النهر کاملاً واضح است؛ چون عنوان بحر در آن ذکر نشده و فقط غوص ملاک است.

طبق مبنای دوم که احد العنوانین معتبر است (اخراج من البحر، غوص)، هر کدام که محقق شد، خمس واجب می‌شود. وقتی از رودخانه چیزی خارج شود، بالاخره عنوان غوص تحقق پیدا کرده و این برای تعلق خمس کافی است.

مبنای سوم این بود که هم غوص معتبر است و هم خروج من البحر و مبنای چهارم این بود که خروج من البحر فقط معتبر است. طبق این دو مبنا هم گفتیم می‌توانیم ما یخرج من النهر را موضوع وجوب خمس بدانیم؛ به این دلیل که عنوان بحر بر رودخانه‌های بزرگ هم صادق است لغتاً و عرفاً.

لذا به نظر می‌رسد که مشکلی از این جهت وجود ندارد فقط طبق مبنای مختار و مبنای اول و دوم، بدون هیچ تکلفی و بدون نیاز به هیچ واسطه و کمک می‌توانیم بگوییم ما یخرج من النهر هم مشمول خمس است اما طبق مبنای سوم و چهارم قهراً باید، با کمک صدق لغوی و عرفی بحر بر نهر، عدم الفرق را اثبات کنیم.

**سؤال:** در غوص فرقی نمی‌کند که چه مقدار در آب فرو برویم؟ آیا اگر کسی دست خود را در آب فرو ببرد غوص محقق می‌شود؟

**استاد:** نه! همین مقدار که کسی در عمق آب فرو رود کافیهست. ولی اینکه شما کنار حوض بنشینید و دست خود را در آب فرو ببرید کفایت نمی‌کند. معنای غوص این است که خود شخص باید در آب فرو رود. به اینکه شما دست خود را داخل آب ببرید، عنوان "أخذ" صدق می‌کند نه عنوان "غوص".

### **مطلب دوم**

مطلب دوم، شرط تکوّن جواهر در انهار است. این از شروط تعلق خمس است یعنی اگر بخواهد خمس بما یخرج من النهر الکبیر تعلق بگیرد، مشروط به آن است که آن جوهر در خود رودخانه تولید شده باشد؛ تکوّن و تحصل آن به سبب رودخانه باشد و از خارج به آنجا داخل نشده باشد. البته این شرط اختصاص به نهر کبیر ندارد و در مورد بحر هم همین گونه است همان طور که ماتن هم اشاره کرده‌اند: «إذا فُرض تکوّن الجواهر فیها کالبحر» یعنی به شرط اینکه جواهر (لؤلؤ و مرجان و...) در خود آن رودخانه بزرگ تکوّن پیدا کرده باشد مانند دریا که دریا هم همین طور است.

حال اساساً چرا این شرط ذکر شده است؟ چرا شرط تکوّن جوهر برای وجوب خمس ذکر شده است؟ چون اگر آن جوهر در بحر یا نهر تکوّن پیدا نکرده باشد، باید بگوییم از خارج به این آب داخل شده مثل این که یک کشتی حامل جواهرات بوده و غرق شده و این جواهرات در عمق آب ریخته شده است. معلوم است که در این فرض، این جواهر مالک دارد. حکم جواهری که از خارج داخل در ماء شده و مالک داشته در مسئله پنجم بیان می‌شود.

«هذا تمام الكلام فی المسألة الرابعة»

**بحث جلسه آینده:** المسألة الخامسة است که ان شاء الله در جلسه آینده مورد بررسی قرار خواهیم داد.

«الحمد لله رب العالمین»